

مناسبات علمی شیعیان عصر حضور با امامان علیهم‌السلام با تأکید بر دوره صادقین علیهم‌السلام

سیدآیت‌الله احمدی^۱

چکیده

شناخت و ارزیابی رفتارها و مناسبات شیعیان در تعامل با امامان علیهم‌السلام، رهیافتی مهم و ضروری برای شناخت و تحلیل دقیق سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام است. این مهم در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... نیازمند بررسی است. در پژوهش حاضر، روابط و مناسبات علمی شیعیان نسبت به ائمه علیهم‌السلام در دوره زمانی عصر حضور با تأکید بر عصر صادقین علیهم‌السلام بررسی شده است. افزون بر این، گونه‌های مختلف مناسبات و روابط علمی شیعیان با ائمه علیهم‌السلام در عصر حضور، شناسایی و معرفی شده و به این پرسش پاسخ داده شده است که شیعیان چگونه از مقام علمی ائمه علیهم‌السلام بهره می‌بردند و آیا روابط شیعیان با امامان، متناسب با جایگاه علمی ایشان بوده است؟ مهم‌ترین محور این نوشتار، بحث علم‌آموزی شیعیان دوره حضور از امامان علیهم‌السلام و ثبت آموخته‌هاست. شیعیان به دلیل باور به مرجعیت علمی ائمه علیهم‌السلام و برخورداری ایشان از علم لایزال الهی، در مسائل علمی، از امامان علیهم‌السلام پیروی کرده و سخنانشان را حجت می‌دانستند. آنان با مراجعه به ایشان در مواضع متعدد، از خرم‌ن دانش فراوان ائمه علیهم‌السلام بهره جستند و شبهات و مشکلات عملی خویش را برطرف می‌ساختند. رشد و بالندگی تشیع و توسعه فرهنگی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام مهم‌ترین پیامد مناسبات علمی شیعیان با ائمه علیهم‌السلام بوده است.

واژگان کلیدی: امامان معصوم، شیعیان عصر حضور، علم‌آموزی شیعیان، ثبت آموزه‌های امامان.

۱. سطح سه تاریخ تشیع، دکتری مدرسی معارف، گرایش تاریخ و تمدن اسلام، دانشگاه باقر العلوم علیهم‌السلام، قم، ایران؛ @1380ahmadi@yahoo.com

مقدمه

در بینش شیعی، امام کسی است که در عقل، علم، ایمان و کردار، سرآمد همه خلق است و علم او چون دانش پیامبران، برگرفته از علم خداست. شیعیان، ائمه علیهم السلام را داناترین مردم (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۲۱۳) نسبت به معارف و احکام شریعت و مصالح و مفاسد امور و مرجع علمی و دینی مردم دانسته، به ایشان به عنوان وارث علوم انبیاء و رسول خدا صلی الله علیه و آله (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۵۵ و ج ۱، ص ۲۶۱) و مبین و مفسر واقعی قرآن نگریسته و آنان را متکفل حفظ دین از خطا و تحریف می دانند. امام از دیدگاه شیعیان عصر حضور، از اخبار زمین و آسمان باخبر بوده و قادر به پاسخگویی به همه سؤالات علمی و دینی مراجعه کنندگان است. ائمه علیهم السلام، شیعیان را به آموختن علم و احادیث اهل بیت علیهم السلام دعوت می کردند و آنها را به این امر توجه می دادند که علم تنها نزد آنان است. در نامه‌های که از امام صادق علیه السلام خطاب به شیعیان نوشته شده، آمده است: «ای گروهی که خداوند نگاهبان امور آنهاست، روی آورید به آثار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و روش آن حضرت و آثار امامان هدایتگر از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله پس از ایشان، چه هر که بدان عمل کند، مسلماً هدایت شده، و هر که آن را وانهد و از آن روی برتابد، گمراه گردد». (همان، ج ۸، ص ۷)

شیعیان، از علم بیکران امام علی علیه السلام سخن می گفتند و معتقد بودند پیامبر صلی الله علیه و آله، باب علمی به امام علی علیه السلام آموخت که هزار در به آن گشوده می شد و امام صادق علیه السلام برای این حد نیز افزوده و فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هزار باب علم به علی علیه السلام آموخت که از هر یک از آن ابواب، هزار باب گشوده می شد (همان، ج ۱، ص ۲۳۹). سلمان از اینکه علی علیه السلام اکنون زنده است و مردم از او بهره نمی جویند، تأسف خورده و می گفت: «به خدا سوگند، پس از او هیچ کس شما را از اسرار پیامبرتان آگاه نخواهد کرد». (بلاذری، ۱۴۱۷/۱۹۹۶، ج ۲، ص ۱۸۳)

اینکه هشام بن حکم در توصیف امام گفت: «امام، ما را از خیرهای آسمان (و زمین) آگاه می کند، و این میراثی است که به او از پدر و از جدش رسیده است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۷۳) بر اعتقاد شیعیان به علم الهی و لدنی ائمه علیهم السلام دلالت دارد. سخنان سدیر

که خطاب به امام صادق علیه السلام عرض کرد: «ما معتقدیم که شما علوم فراوانی دارید» (همان، ص ۲۵۷) به نمایندگی از جمعی مانند ابوبصیر، یحییای بزاز و داوود بن کثیر که در مجلس امام صادق علیه السلام حضور داشتند و همچنین عموم شیعیان عصر خویش است. این شواهد نشان می‌دهد که از نظر تاریخی، یک حرکت فرهنگی منسجم از سوی امامان و شیعیان وجود داشت تا اهل بیت علیهم السلام را به عنوان محور فکری و فرهنگی مسلمین معرفی کند.

شیعیان در تمامی مسائل دینی، از امامان پیروی کرده و از میان احادیث، تنها حدیث آنان را حجت می‌دانستند. البته این نگاه، قبل از زمانی که مباحث فقهی و فکری، مسئله روز جامعه اسلامی شود - از اواخر قرن اول هجری - کاملاً خود را نشان نداده بود، اما پیداست حرکتی که در زمان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام به این عنوان مطرح شد، بر پایه پیشینه خاص خود بوده است. عرضه مکتوبات و دستاوردهای علمی توسط شیعیان بر امام علیه السلام برای تصحیح و تایید نیز بیانگر جایگاه بالای علمی امامان علیهم السلام نزد شیعیان است.

لازم به ذکر است که در این میان، شیعیانی بودند که به سبب برخی مسائل و موانع، بر جایگاه واقعی ائمه علیهم السلام در بعد علمی واقف نبودند و هرچند ایشان را علما مورد وثوق، بلکه اعلم می‌دانستند، اما سخنان برخی شیعیان نشان می‌دهد که نسبت به این مسئله به درستی آگاه نبودند. چنان‌که محمد بن عبد الجبار در نامه‌ای که به امام عسکری علیه السلام نوشت، وی را با فقهاء در یک سطح یا کمی بالاتر دانسته است. (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۱۳) البته این امر می‌تواند معطوف به شرایط خاص دوران امام حسن عسکری علیه السلام و نوع رفتار حضرت در این خصوص باشد که در راستای آماده ساختن جامعه شیعه برای عصر غیبت، معمولاً از بیان پاسخ شفاف و دقیق به شیعیان خودداری کرده و به بیان کلیات و مبانی اکتفا می‌کردند تا شیعیان با روش اجتهاد و استدلال آشنا شوند و در آینده نزدیک، که با غیبت امام دوازدهم مواجه می‌شوند، دچار سرگردانی و مشکل نشوند.

در این نوشتار، دو موضوع در مناسبات علمی شیعیان با امامان، مورد پژوهش قرار گرفته

است؛ یکی بحث علم‌آموزی شیعیان از محضر ائمه علیهم‌السلام و دیگری چگونگی ثبت و نشر آموخته‌هایشان از ائمه علیهم‌السلام.

۱. علم‌آموزی شیعیان از امامان علیهم‌السلام

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ و از بارزترین نشانه‌های رشد فرهنگی یک جامعه، توجه و اهمیت نسبت به مقوله آموزش و کسب دانش و معرفت است. دین اسلام همواره بر علم‌آموزی و تلاش برای کسب دانش، تأکید داشته و پاداش بزرگی برای آن بیان کرده است،^۱ تا آنجا که طلب علم را بر هر مسلمانی واجب دانسته است. (صفار قمی، ۱۴۰۴، ص ۳ و مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۸)

دانش‌آموزی در اسلام از چنان اهمیت و شرافتی برخوردار است که نزول کتاب آسمانی مسلمانان، با آیاتی درباره تعلیم (دانش‌آموزی) آغاز شده است (علق: ۳-۵) و همین بس که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «من معلم برانگیخته شدم». (قزوینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۳ و دارمی، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۱۰۰) امامان علیهم‌السلام نیز که رهرو راستین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بودند، بر همان شیوه رفتار می‌کردند و پیروانشان را بر اهتمام نسبت به این امر، بسیار سفارش می‌کردند. ائمه هدی علیهم‌السلام همواره در جهت‌دهی و ترغیب شیعیان به علم‌آموزی و کسب دانش سعی داشته‌اند. این تأکیدات در سخنان ائمه علیهم‌السلام گسترده و پرنسب است، تا آنجا که کلینی در جلد اول اصول کافی، در «کتاب فضل العلم»، در ابواب متعددی، سخنان ائمه علیهم‌السلام درباره علم، عالم، انواع آن و ثواب علم‌آموزی و... را آورده است.

با توجه به روش تربیتی ائمه علیهم‌السلام در تشویق شیعیان به علم‌آموزی، شیعیان نسبت به این مسئله، عنایت خاصی داشتند و به دنبال استفاده از معادن علم الهی یعنی امامان علیهم‌السلام بودند. حاکمان اموی در دوران امام باقر علیه‌السلام، به دلیل تعارضات داخلی و در عصر امام

۱. برای اهمیت و ضرورت تعلیم و تعلم در دین اسلام و مذهب تشیع رک: مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۶۲، باب: «فرض العلم و وجوب طلبه و الحث علیه و ثواب العالم و المتعلم».

صادق علیه السلام به علت ضعف حکومت بنی امیه و جنگ بنی عباس و بنی مروان، از نهضت عظیم علمی آن بزرگواران غافل بودند و شیعیان توانستند با آسودگی بیشتری در مجلس درس ایشان شرکت کنند و احکام دین و شریعت را فراگیرند. آن دو امام بزرگوار، از این فرصت استفاده کرده به نشر علوم و معارف پرداختند و شاگردان فراوان در علوم مختلف تربیت کردند. این شاگردان بعدها به شهرها و ولایات گوناگون رفتند و هر کدام در منطقه‌ای مقیم شده و به ترویج مذهب اهل بیت علیهم السلام پرداختند. برای رعایت اختصار، در اینجا تنها به بیان روش‌های علم‌آموزی شیعیان از امامان بسنده کرده و از بیان انگیزه‌های علم‌آموزی، چشم‌پوشی می‌شود.

به‌طور کلی، شیعیان به دو طریق حضوری و غیر حضوری، از خرمن دانش امامان علیهم السلام بهره می‌بردند.

۱.۱. حضوری

در این روش، شیعیان به محضر امام علیه السلام شرفیاب شده و رودررو و بدون واسطه، علمی را از ایشان دریافت می‌کردند. در این شیوه، عمدتاً از دوراه به کسب دانش می‌پرداختند:

۱.۱.۱. درس‌آموزی

یکی از مهم‌ترین راه‌های کسب دانش از محضر امامان علیهم السلام، حضور در منزل یا محل جلوس ائمه علیهم السلام در مسجد و نشستن پای سخنان آن حضرات و بهره‌بردن از علم ایشان بود. در این روش، مخاطب برای استفاده علمی و آموختن معارف دینی در یک یا چند جلسه، در مجلس امام حاضر شده و مطالبی از ایشان فرا می‌گرفت. در این جلسات، که به صورت آموزش جمعی یا آموزش فردی برگزار می‌شد، علاوه بر تعلیم ابتدایی توسط امام، گاهی نیز شیعیان سؤالاتی را در ضمن سخنان امام مطرح می‌کردند. در زمان امام صادق علیه السلام، که شیعیان از آزادی نسبی برخوردار بودند، جویندگان دانش از شهرهای مختلف برای شنیدن حدیث و استفاده علمی و معنوی به حضور ایشان می‌آمدند. ابوالاسود عمر بن محمد کوفی

هر سال یکبار برای استفاده علمی از محضر امام صادق علیه السلام به مدینه می‌آمد. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۲۸۳)

از برخی روایات برمی‌آید که مکان جلوس امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مشخص بوده است. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۲۵۶ و مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰، ص ۱۵۴) جلسات ائمه، به ویژه دوره‌ای که ائمه علیهم السلام و شیعیان تحت مراقبت و محدودیت بیشتری بودند، در خانه‌هایشان برگزار می‌شد.

از این روش، مسامحتاً به عنوان تدریس و درس‌آموزی یاد می‌کنیم، زیرا جلسات درس به معنای امروزی آن نبود که ساعت معین، موضوع مشخص، شاگردان ثابت و ترتیب و شیوه خاصی داشته باشد؛ بلکه شاگردان به منزل و محل جلوس آن بزرگواران مراجعه کرده، پای سخنان ایشان می‌نشستند و پرسش‌های خود را طرح می‌کردند. موارد بسیاری از روایات نشان می‌دهد عده‌ای در محضر امام علیه السلام نشسته، مشغول صحبت بودند که شخصی وارد می‌شد و پرسشی را مطرح می‌کرد. این موارد، نشان از غیر رسمی بودن جلسات درس دارد. جلسات علمی، در موقعیت‌های مختلف شکل می‌گرفته است. چنان‌که امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام به صورت جمعی و یا فردی در خانه خود، پذیرای مراجعان بودند و به پرسش‌ها و اشکالات پاسخ می‌دادند. در جلسه تدریس ائمه علیهم السلام، موضوعات و مسائل مختلف فقهی و کلامی مطرح می‌شد، به گونه‌ای که ائمه علیهم السلام مطالبی را بر اساس شرایط و اقتضای حال افراد حاضر در جلسه یا در پاسخ به پرسش‌های شاگردان بیان می‌فرمودند. بیشتر موارد سخنان امام، با تعابیری همچون «دخلت علی ابی عبدالله...» و یا «کنا عند ابی عبدالله...»، توسط راویان نقل شده است. در مواردی هم راوی به تنهایی یا همراه چند تن دیگر، خدمت امام بودند که شخصی وارد شده و سؤالی می‌پرسید.^۱ این همه بیانگر برگزاری جلسات و نشست‌ها در خانه، مسجد یا مکانی دیگر و به صورت غیر رسمی و

۱. برای دیدن مواردی از این دست رک: صفار، ۱۴۰۴، ص ۱۵۱؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۳۱ و کشی، ۱۳۴۸، ص ۲۰۹ و ۲۷۵ و ۳۳۳.

با حضور افراد غیر ثابت است. یاران خاص ائمه علیهم السلام سعی می‌کردند در جلسات علمی امامان علیهم السلام حضور مستمر داشته باشند یا اینکه ملاقات‌های خصوصی داشته و در ساعات خلوت، خدمت ایشان برسند؛ چنان‌که زُراره تا پاسی از شب، مسائل علمی و معارف دینی را از امام باقر علیه السلام می‌آموخت. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۳۷۰) بعضی شیعیان، مدتی طولانی، شاگردی امامان را می‌کردند و برای بهره‌مندی بیشتر از علم و فیوضات ائمه علیهم السلام، ملازم ایشان می‌شدند. هشام بن سالم گوید:

محمّد بن مسلم چهار سال در مدینه اقامت گزیده، خدمت حضرت باقر علیه السلام می‌رسید، از آن جناب استفاده می‌کرد و بعد از حضرت باقر علیه السلام، از حضرت صادق علیه السلام استفاده می‌نمود. (کشی، ۱۳۴۸، ص ۱۶۷ و مفید، ۱۴۱۳ الف، ص ۲۰۳) جابر بن یزید جُعیفی بعد از هجده سال خدمت و استفاده از محضر امام باقر علیه السلام، وقتی می‌خواهد به کوفه برگردد به امام عرض می‌کند: «مرا بهره‌ای برسان». حضرت فرمود: «بعد از هجده سال» (باز هم برایت بگویم؟). جابر می‌گوید: «آری شما دریای خشک ناشدنی و ژرف و بی‌پایان هستید». (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۲۹۶)

فردی مثل ابوالاسود دُثلی که از او به عنوان واضع ادبیات عرب و علم نحو یاد می‌شود و اولین کسی است که مصحف را نقطه‌گذاری کرد، گفته است که: این علم را از امام علی علیه السلام آموخته است (ابن حجر عسقلانی، ۱۹۹۵، ج ۳، ص ۴۵۵-۴۵۶) و خود را مدیون و شاگرد امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌دانست.

برخی افراد گاهی برای آموختن مسئله‌ای، مکرّر خدمت امام می‌رسیدند؛ چنان‌که ابراهیم کرخی بیش از ده بار خدمت امام صادق علیه السلام رسید تا مطلبی را که بیانش ناتمام مانده بود، به‌طور کامل بیاموزد و پس از آنکه در آن سال توفیق نیافت تا مطلب را کامل بیاموزد، سال آینده خدمت امام رسید و آنچه دنبالش بود از امام فرا گرفت. (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۳۴)

گاهی نیز ائمه علیهم السلام خود سراغ شیعیان رفته و آنها را از دانش خویش بهره‌مند می‌ساختند؛

چنان که امام علی علیه السلام نزد کمیل آمد و دست وی را گرفت و با خود به صحرا برد. چون به صحرا رسیدند بر زمین نشست و کمیل هم نشست. سپس سر بلند کرده و به کمیل فرمود: «ای کمیل آنچه به تو می گویم به خاطر بسپار». حضرت سپس مطالب ارزشمندی درباره فضل دانش و علم اندوزی برای وی بیان فرمود. (ثقفی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۸۹ و صدوق، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۸۶) نتیجه این جلسات و استفاده های علمی از محضر ائمه علیهم السلام، رشد و غنای علمی و توانمندی در مقابل شبهات مخالفان بود که در رفتار شیعیان دیده می شد. یونس بن عبدالرحمن وقتی مراجع علمی امام رضا علیه السلام شامل حال او شده و حضرت، او را نسبت به شبهات اعتقادی و مواضع قدریه، روشن و مستحکم ساخت، سر امام را بوسید و سپس گفت: «امری را برای من روشن ساختی که نسبت به آن در غفلت بودم». (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۵۷) از مهم ترین قالب های فراگیری دانش توسط شیعیان در شیوه درس آموزی، سماع و املاء بوده است:

الف) سماع

سماع این است که شیعیان و اصحاب ائمه علیهم السلام، برای شنیدن حدیث و استفاده از دانش ایشان در حلقه تعلیم ائمه علیهم السلام شرکت جستند و به سخنانشان گوش می دادند و معمولاً اهتمامی در نوشتن نبود؛ هر چند عده ای نیز از درس و سخنان امامان یادداشت هایی برمی داشتند. در نزد امامیه، روش سماع، به ویژه در زمان حیات ائمه علیهم السلام ارزش ویژه ای داشت. در قرن اول، فراگیری بیشتر به صورت شفاهی بود و بر حفظ و قدرت حافظه تأکید می شد؛ چنان که طبقه ای به نام «حُقَاط» را می توان نتیجه همین تأکیدها دانست. تأکید بر تعلیم و تعلم شفاهی، به دلیل اهمیت خاص علم حدیث بود، زیرا برای اطمینان از صدور حدیثی از امام، می بایست آن را بی واسطه از امام استماع می کردند و بدین منظور حاضر به پذیرش سختی و رنج سفر می شدند. جابر بن یزید جعفی گوید:

درحالی که هنوز جوان بودم، بر امام باقر علیه السلام وارد شدم. امام فرمود: اهل کجایی؟
عرض کردم: اهل کوفه... سپس فرمود: چه چیزی تو را از کوفه به مدینه کشانده

است. گفتم طلب علم و کسب دانش. فرمود از چه کسی؟ گفتم از شما. (کشی،

۱۳۴۸، ص ۱۹۲)

پدید آمدن حداقل چهارصد اصل حدیثی در عصر ائمه علیهم السلام، به خوبی بر اهمیت و اعتبار روش سماع در علم آموزی و فراگیری حدیث دلالت می کند؛ زیرا در تعریف اصل، بیان کرده اند که اصل، حاوی احادیثی است که نویسندگان آن سماعاً را به طور مستقیم از امام یا تنها با یک واسطه از امام شنیده باشد، با این شرط که از روی نوشته دیگری فراهم نیامده باشد. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۲۵-۱۲۶)

ب) املاء

املاء این است که امام مطالب را بیان می فرمود و اصحاب و شاگردانش، به نوشتن و ثبت آن مطالب می پرداختند. از برخی روایات برمی آید که شیعیان از این شیوه نیز در مواردی، در حضور امامان بهره می بردند. این روش به دلیل نیاز به ابزار نوشتن و سواد کتابت، نسبت به روش قبل، از محدودیت برخوردار بود و در ابتدا، کمتر مورد توجه بود و می توان آن را به عنوان یک روش آموزش خصوصی به شمار آورد. کسانی که در جلسه املاء حاضر می شدند، تعدادی اندک و از خواص اصحاب بودند؛ چنان که دعاهای امام سجاد علیه السلام، املائی آن حضرت بر دو فرزندش امام باقر علیه السلام و زید (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۶، ص ۱۶) و کتاب «اهلیلیجه»،^۱ املائی امام صادق علیه السلام بر مفضل بن عمر (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۲۱۴ و ج ۲، ص ۱۵۲) از آن جمله اند.

احمد بن محمد بن نصر، که پاره ای از کارهای موسی بن جعفر علیه السلام را بر عهده داشت، می گوید:

روزی حضرت از روی کتابی به من چنین املا فرمود: انگشتر زمرد در دست

کردن، موجب گشایشی است که هیچ گاه دشواری به همراه ندارد. (کلینی،

۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۷۱)

۱. الإهللیج - هلیله، گیاهی دارویی و معروف (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۹۲) به شکل بیضی در گونه های متعدد که معروف ترین آن، هلیله کابلی است. این واژه فارسی است. (بستانی، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۱۶۱)

موارد زیادی وجود دارد که راوی نقل می‌کند از امام سؤالی کرده و امام به او فرموده: «بنویس» و سپس مطلب را املاء کرده است. ابوبصیر روایت می‌کند: «روزی نزد امام صادق علیه السلام رفتم. امام به من فرمود: «هم‌اینک گروهی از مردم بصره اینجا بودند. مطالبی را از من پرسیدند و پاسخ‌های مرا نوشتند. چرا شما نمی‌نویسید؟ بدان که شما نمی‌توانید آموخته‌های خود را نگاه دارید مگر آنکه بنویسید» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۵۳). نمونه دیگر، گزارش حمزه بن طیار است. وی پس از آنکه بعضی خطبه‌های پدرش را بر امام صادق علیه السلام عرضه کرد و به جمله‌ای از آن رسید، امام به او فرمودند: «بس است، حالا این چنین بنویس». سپس متنی را بر حمزه املا فرمود. (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۳۶) شیعیان نیز این روش را از ائمه علیهم السلام آموخته و به کار گرفتند. چنان‌که شیخ ابوجعفر عمّری دعای غیبت را بر ابوعلی بن همام املا کرد. (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۸۳)

۱.۱.۲ پرسشگری

از دیگر راه‌هایی که شیعیان، در دانش‌آموزی از معدن علم امامان علیهم السلام از آن بهره می‌بردند، روش پرسش و پاسخ است؛ به این معنا که جوینده علم در هر زمینه و موضوعی که به پرسش یا اشکالی برمی‌خورد، نزد امام می‌آمد و سؤال خود را مطرح می‌ساخت و پاسخ آن را از امام دریافت می‌کرد. پرسش‌های شیعیان از امامان علیهم السلام، بر اساس میزان علم و معرفت ایشان متفاوت بود، از سؤال‌های عامیانه و ساده تا پرسش‌های عالمانه و تخصصی. این روش، مورد توجه و تأکید امامان علیهم السلام بود و ایشان نیز برای تحریض و تحریک طالبان علم و دانش در به‌کارگیری این روش، مطالب خود را در موارد زیادی، به نوعی با پرسش همراه می‌کردند و دیگران را به پرسیدن، تشویق می‌نمودند. زیرا این روش موجب مشارکت بیشتر مخاطب و دانش‌آموز در بحث و مایه تفکر او و افزایش انگیزه یادگیری می‌شود.

امام صادق علیه السلام فرمود: «همانا بر این علم، قفلی است که کلید آن، پرسش است». (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۰) امام علی علیه السلام همواره می‌فرمود: «ای مردم نزد من علوم و اطلاعات زیادی هست. من به راه‌های آسمان، بیشتر آشنا هستم تا به راه‌های زمین. اکنون تا زنده

هستم از من سؤال کنید». (شریف رضی، بیتا، ص ۲۸۰، خطبه ۱۸۹) محمدبن مسلم از امام باقر علیه السلام سؤال علمی - درباره حرکت خورشید - پرسید، امام فرمود: «محمد چقدر جثه ات کوچک و پرشت پیچیده و مشکل است. تو شایستگی شنیدن پاسخ این پرسش را داری». (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۲۵ و مفید، ۱۴۱۳ الف، ص ۲۰۱) همچنین ابوالجارود از امام باقر علیه السلام درباره دین واقعی، که اهل بیت علیهم السلام به آن معتقد هستند، پرسش کرد و امام قبل از دادن پاسخ، از پرسش ابوالجارود تمجید کرده و فرمودند: «سخنانت، مختصر بود، اما پرسش مهم و بزرگی مطرح کردی» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۱)

شیعیان در مواردی - به ویژه در دوره محدود شدن ارتباط مستقیم شیعیان با ائمه علیهم السلام - سؤالات خود را به صورت مکتوب از طریق واسطه های مطمئن، خدمت امام ارسال کرده و پاسخ آنها را دریافت می کردند. کتاب هایی که از اصحاب و شاگردان ائمه علیهم السلام با عنوان «مسائل...» نام برده شده است، شامل پرسش و پاسخ شیعیان از ائمه علیهم السلام، فراوانی استفاده از این روش در بین شیعیان را به اثبات می رساند. تعدادی از این دست نوشته ها عبارتند از: مسائل عن ابی الحسن موسی علیه السلام تصنیف صفوان بن یحیی (طوسی، بی تا، ص ۸۳)؛ کتاب الاربع مائه مسئله، از محمدبن مسلم بن رباح، شامل پاسخ های امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام درباره حلال و حرام (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۲۳) و مسائل عن ابی الحسن الثالث علیه السلام، تالیف ایوب بن نوح بن دراج. (جلی، ۱۴۱۱، ص ۱۲)

شهید اول در کتاب الذکری می نویسد: چهارصد نویسنده، چهارصد کتاب درباره پاسخ هایی که امام صادق علیه السلام به سؤال ها داده است، پدید آورده اند. (شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۵۹) حجم زیادی از روایاتی که به دست ما رسیده و در مجامع روایی ضبط شده، از گستردگی این روش در بین شیعیان و اصحاب ائمه حکایت می کند. فراوانی عبارات «سأل رجل...»، «سألت ابا عبدالله...» و ادوات استفهامیه در روایات بر این ادعا صحه می گذارد و حکایت از آن دارد که ائمه علیهم السلام برای شاگردان خود، فضای پژوهش را باز کرده و خود بر کیفیت رشد علمی آنان نظارت داشتند.

منشأ این مراجعات و پرسش‌ها از امامان، در اغلب موارد، نیازهای روزمره شیعیان در باب احکام عبادات و معاملات و کسب تکلیف شرعی بود. روایات فراوان فقهی که اغلب، پاسخ ائمه علیهم‌السلام به پرسش‌های شیعیان است، بر این مطلب دلالت می‌کند. گاه در یک جلسه، سؤالات متعددی از امامی پرسیده می‌شد و امام با سعه صدر همه آنها را پاسخ می‌گفت. طاووس یمانی پرسش‌های زیادی در موضوعات مختلف در یک جلسه از امام باقر علیه‌السلام پرسید و امام همه آنها را پاسخ فرمودند. (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۰۰ و طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۲۸) هرچند در مواردی اتفاق می‌افتاد که ائمه علیهم‌السلام به خاطر در نظر گرفتن مصالح فرد یا شرایط اجتماعی سیاسی، از پاسخ دادن امتناع کنند یا جواب را به تأخیر اندازند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱ ص ۱۶۲ و ۵۳۶ و ج ۲، ص ۲۴) یا به مخاطبین و پرسشگران، پاسخ‌های مختلفی بدهند. (همان، ص ۶۲-۶۹)

در مواردی، شیعیان دور از امام، جهت دستیابی به پاسخ مسئله‌ای یا جواب شبهه‌ای و برای رسیدن به محضر امام و استفاده از ایشان، بار سفر می‌بستند. هشام بن حکم برای رسیدن به پاسخ سؤال عبدالله دیصانی، سوار بر مرکب شده و از کوفه، عازم مدینه گردید. خدمت امام صادق علیه‌السلام رسید و بعد از دریافت پاسخ، به کوفه بازگشت. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۷۹ و صدوق، ۱۳۹۸، ص ۱۲۲)

۱.۲. غیر حضوری

به دلیل عواملی از جمله بُعد مسافت، خفقان سیاسی و محصور یا زندانی بودن امام، یا موانع دیگر، برای طالبان علم، امکان تشریف خدمت امام فراهم نبود و در این شرایط، برای کسب دانش از علوم اهل بیت علیهم‌السلام، عمدتاً به یکی از دو طریق ذیل اقدام می‌کردند:

۱-۲-۱. درس آموزی غیر مستقیم (با واسطه)

در مواردی شیعیان، علوم اهل بیت علیهم‌السلام و روایات ایشان را با واسطه و از طریق اصحاب و شاگردانی که با ایشان ارتباط داشتند، دریافت می‌کردند. ائمه علیهم‌السلام نیز شیعیان را به این

مسئله راهنمایی کرده و آنها را در مواردی، به اصحاب دانشمند خویش ارجاع می‌دادند تا زمینه بهره‌مندی بیشتر از روایات اهل بیت علیهم‌السلام فراهم شود؛ بدین صورت، علاوه بر تشویق اصحاب دانشمند خویش به اجتهاد در فروع، برای ارتباط مردم با علما به عنوان نمایندگان خویش در عصر غیبت، زمینه‌سازی می‌کردند.

امام باقر علیه‌السلام به ابان بن تغلب فرمود: با مردم مدینه بنشین و برای آنها فتوا بده؛ زیرا من دوست می‌دارم در میان شیعیانم همانند تو وجود داشته باشند. (کشی، ۱۳۴۸، ص ۳۳۰) ابان هرگاه وارد مدینه می‌شد، مردم گرد او جمع می‌شدند و منبر پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در اختیار او می‌گذاشتند. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۱ و ابن داود حلی، ۱۳۸۳، ص ۱۰) مسلم بن ابی حیه می‌گوید:

در محضر امام صادق علیه‌السلام بودم، وقتی که خواستم خداحافظی کنم، عرض کردم دوست داشتم از محضر شما فیضی ببرم. فرمود: نزد ابان بن تغلب برو که او از من حدیث فراوان شنیده است و هرچه برای تو روایت کرد، تو نیز آن را از قول من روایت کن. (کشی، ۱۳۴۸، ص ۳۳۱ و نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۳)

عبدالعزیز بن مهتدی به امام رضا علیه‌السلام عرض کرد: آیا یونس بن عبدالرحمن مورد وثوق و اطمینان شماست که نیازمندی‌های دینم را از او بهره‌وری نمایم؟ امام فرمود: آری (کشی، ۱۳۴۸، ص ۴۸۳). حسن بن عمار در زمان امامت امام محمدتقی علیه‌السلام، دو سال در مدینه اقامت کرد و از علی بن جعفر، عموی امام رضا علیه‌السلام روایات اهل بیت علیهم‌السلام را می‌شنید و می‌نوشت. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۲۲)

گاه نیز برخی شیعیان با اینکه به امام دسترسی داشتند، برای رعایت احترام و حفظ شأن و مقام امام، به‌طور مستقیم خدمت ایشان نمی‌رسیدند و با واسطه، از شاگردان و اصحاب دانشمند ائمه علیهم‌السلام، از علوم و روایات ایشان بهره می‌بردند. عبدالله بن مسکان می‌ترسید آن‌گونه که لازم است نتواند احترام و جلال حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام را مراعات کند؛ از این رو خدمت آن جناب نمی‌رفت و از اصحاب آن حضرت، درس می‌گرفت. یونس بن عبدالرحمن در حق او گفته است: «ابن مسکان مرد مؤمنی بود که با اصحاب امام

صادق علیه السلام برخورد می‌کرد و از آنها آنچه فرا گرفته بودند استفاده می‌نمود». (کشی، ۱۳۴۸، ص ۳۸۳ و مفید، ۱۴۱۳ الف، ص ۲۰۷)

۱، ۲، ۲. مکاتبه

یکی از مهم‌ترین راه‌هایی که شیعیان در صورت فراهم نبودن شرایط تشریف حضوری، با امامان خویش در ارتباط بودند و از دانش و علم ائمه علیهم السلام بهره می‌بردند، از طریق نامه‌نگاری بود. اهمیت و امتیاز این روش، برخورداری از دقت و اعتبار بیشتر است؛ زیرا سخن امام، مکتوب می‌شد و احتمال خطا در نقل و تحریف آن کمتر وجود داشت، به‌ویژه زمانی که پاسخ نامه به خط خود امام نوشته می‌شد. علم‌آموزی در این روش، غالباً در همان شکل پرسش و پاسخ صورت می‌گرفت. پرسش‌های فراوانی در قالب نامه در موضوعات مختلف از جانب شیعیان، خدمت ائمه علیهم السلام ارسال می‌شد و آن بزرگواران به صورت مکتوب و در مواردی تصریح شده که با خط خود به آنها پاسخ می‌دادند. (کشی، ۱۳۴۸، ص ۶۱۱؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۹۶ و صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۶۲)

این شیوه، به‌ویژه بعد از دوران صادقین علیهم السلام، برای افرادی که نمی‌توانستند به‌طور مستقیم از محضر ائمه علیهم السلام استفاده نمایند، از جمله شیعیانی که در دیگر شهرها زندگی می‌کردند یا افرادی که به خاطر تقیه و ترس از حکومت نمی‌توانستند ارتباط مستقیم با امامان داشته باشند، به کار گرفته می‌شد. ائمه علیهم السلام نیز افراد مورد اطمینانی را برای رساندن پاسخ نامه‌های شیعیان انتخاب می‌کردند؛ مانند ابوالادیان که خدمتکار و نامه‌رسان امام حسن عسکری علیه السلام به شهرهای مختلف بود. (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۷۵) موارد بسیاری از این مکاتبات، در جوامع حدیثی شیعه نقل شده است. ملاحظه روایاتی که در مجامع حدیثی با لفظ «کتبت الی...» آغاز شده، برگسترده‌گی این شیوه در بین شیعیان دلالت می‌کند. گویا برخی شیعیان، تنها از طریق مکاتبه، از امام روایت کرده‌اند؛ مانند عمر بن محمد بن عبدالرحمن که در شرح حال او نوشته‌اند: روی عن ابي عبدالله علیه السلام بمکاتبه؛ از امام صادق علیه السلام از طریق مکاتبه روایت کرده است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۲۸۳) برخی نیز مانند

محمد بن عیسی بن عبید، هم از طریق شفاهی و هم مکاتبه‌ای، از امام روایت کرده‌اند.
(حلی، ۱۴۱۱، ص ۱۴۱ و نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۳۳)

نامه نگاری، مناسب‌ترین و بلکه تنها راه بهره‌بردن شیعیان دوردست، از دانش ائمه علیهم السلام، همچنین زمانی که امام در حبس یا حصر قرار داشت - و در عصر غیبت صغری از طریق نواب خاص آن حضرت - محسوب می‌شد.^۱ علی بن سوید به امام موسی بن جعفر علیه السلام، زمانی که در زندان بودند نامه‌ای نوشت. وی در این نامه، حال ایشان را جویا شده و مسائل زیادی را از آن حضرت پرسش نموده است. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۱۲۴) همچنین اسحاق بن یعقوب از محمد بن عثمان، وکیل امام دوازدهم علیه السلام خواست نامه‌اش را که در آن، از مسائلی که اشکال داشت، پرسیده بود، به آن حضرت علیه السلام برساند. چندی بعد پاسخ نامه، با خط خود حضرت به دست وی رسید. (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۹۰ و طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۶۹)

گاهی مکاتبه با امام، همانند درس‌آموزی، با واسطه انجام می‌شد؛ بدین صورت که شخص، نامه‌ای به یکی از دوستان خود، که با امام در ارتباط بود، می‌نوشت و از او می‌خواست تا جواب مسئله‌اش را از امام بپرسد. شاید این امر نیز به سبب رعایت مسائل امنیتی و تقیه، یا در راستای اهداف سازمان وکالت بود. حفص بن غیاث گوید:

یکی از دوستانم نامه‌ای به من نوشت که از امام صادق علیه السلام مسائلی درباره سیره بپرسم. من این کار را کردم و پاسخ امام علیه السلام را از طریق نامه برای او ارسال کردم. (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۴۵)

همچنین اربلی روایت کرده: محمد بن حمزه شروزی، نامه‌ای توسط ابوهاشم داود بن قاسم، که دوست وی بود، برای حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نوشت. (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۲۴)

۱. برای آگاهی بیشتر، رک: محمد رضا، جباری، مقاله «نقش و جایگاه توقیعات در عصر غیبت صغری»، فصلنامه انتظار موعود، ش ۳، ۱۳۸۱ ش، و صص ۱۴۰-۱۶۵.

۲. ثبت و ضبط آموخته‌ها

منع تدوین حدیث در مکتب خلفاء، از اتفاقات تلخ در تاریخ اسلام است که بیشتر با هدف و انگیزه سیاسی صورت گرفت. جلوگیری از ثبت و نگارش احادیث صحیح - که میبین قرآن بود - و نشر احادیث جعلی، دو عامل اصلی در انحراف قسمتی از مبانی اسلام از مسیر اصلی‌اش بود.

در مکتب اهل بیت، شیعیان در مقابله با این جریان، نسبت به ثبت و ضبط احادیث، اهتمام ورزیده و این اهتمام به واسطه تأکیدهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام بر ثبت و ضبط احادیث و اندوخته‌های علمی بود که شیعیان را به نوشتن و حفظ آنچه می‌آموختند، ترغیب می‌کردند. از ائمه علیهم السلام کلماتی ارزشمند درباره کتابت حدیث نقل شده است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «بنویس و علمت را بین برادرانت منتشر کن. اگر از دنیا رفتی، کتب تو را فرزندانانت به ارث خواهند برد. روزگاری خواهد آمد که اوضاع زمانه، به هرج و مرج خواهد بود و مأنوس و اتکایی جز کتاب برای مردم نخواهد ماند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۵۲) و نیز فرمود: کتب خود را حفظ کنید، روزی بدان‌ها محتاج خواهید بود. (همان)

ائمه علیهم السلام و شاگردان مکتب آنان، در تدوین سنت و احادیث کوشیدند. امامان شیعه علیهم السلام از پیشگامان این مسیر بودند؛ چنان‌که دست‌نوشته‌های حدیثی امیرالمؤمنین علی علیه السلام با املاي رسول خدا صلی الله علیه و آله، از جمله منابعی بود که دست به دست نزد ائمه علیهم السلام می‌گشت. در تاریخ آمده است که چون حضرت زین‌العابدین علیه السلام در حالت احتضار قرار گرفت به فرزندان خود رو کرد و از میان آنان، امام محمد باقر علیه السلام را مخاطب ساخت و فرمود: «ای محمد! این صندوق را به منزل خود ببر». سپس فرمود: «همه بدانند که در این صندوق، درهم و دینار نیست، لکن پر از علم است». (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۰۵) محمد بن عذافر صیرفی، شاهد بوده که حکم - که از زیدیه بود - از امام باقر علیه السلام پرسش‌هایی کرد و حضرت به او پاسخ می‌داد، تا اینکه در مسئله‌ای اختلاف پیدا کردند. امام باقر علیه السلام به فرزندش فرمود: «پسرم برخیز و کتاب علی علیه السلام را بیرون بیاور...». (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۶۰)

شیعیان نیز تحت تربیت خاص ائمه علیهم‌السلام و ترغیب ایشان به کتابت حدیث، به تدوین مجموعه‌های روایی، و تکثیر از طریق استنساخ و قرائت، روی آوردند. از آنجا که از اول کتابت حدیث در بین شیعه وجود داشت، از همان ابتداء، تدوین فقه و حدیث نزد آنان آغاز شد و لذا در این باب، پیش قدم بوده‌اند. ابورافع، مولی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از طبقه اول مؤلفین شیعه است و کتابی در سنن و احکام و قضایا دارد. علی فرزند ابورافع نیز صاحب کتاب و از بهترین تابعین و بهترین افراد شیعه بوده است. او کتابی در فنون فقه و در باب وضو و صلاة و سایر ابواب، جمع کرده است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳) حجر بن عدی از صحابه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و علی علیه‌السلام احادیث امام علی علیه‌السلام را بر صحیفه‌ای می‌نوشت و وقتی به مسئله‌ای نیاز داشت، در آن نظر می‌کرد. (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۲۲۰)

بنابر گزارشی در طبقات ابن سعد، علباء بن احمر نقل می‌کند که علی بن ابیطالب علیه‌السلام بر منبر، خطبه می‌خواند و در ضمن آن چنین فرمود: «چه کسی علم را به یک درهم خریدار است؟» حارث بن اعور کوفی، تابعی دانشمند و هوادار امام علی علیه‌السلام، اوراقی به یک درهم خرید. نزد حضرت آورد و آن حضرت دانش زیادی بر آن اوراق برای وی نوشت. (ابن سعد، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۲۰۹ و متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۰، ص ۱۵۶) گزارش دیگری در کافی و توحید از آن حکایت دارد که حارث، خطبه‌ای از امام علی علیه‌السلام را که خود یادداشت کرده بود از روی نوشته‌اش برای ابواسحاق سبعی نقل کرد. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۴۱ و صدوق، ۱۳۹۸، ص ۳۱)

روایتی در کتاب مناقب امیرالمؤمنین علیه‌السلام تالیف محمد بن سلیمان کوفی، حاکی از آن است که اصبع بن نباته گاهی گفته‌های امام علی علیه‌السلام را یادداشت می‌کرده است. (کوفی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۶۶) نجاشی، ابن نباته را در شمار نخستین مؤلفان شیعی یاد می‌کند. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۸) جابر بن یزید جعفی، که از امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام روایت نقل کرده است، یکی از معدود علمای متقدم حدیث بود که آنچه را می‌شنید، به صورت مکتوب ثبت می‌کرد و کتب فراوانی از جمله: کتاب تفسیر، الفضائل، نوادر، صفین و مقتل الحسین را برای او ذکر کرده‌اند. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۲۸)

احمد بن محمد بن عیسی، محدث و عالم مشهور قم می‌گوید:

در جستجوی حدیث به کوفه رفتم. در آنجا حسن بن علی و شَاء را ملاقات کردم که یکی از اصحاب امام رضا علیه السلام بود. از او خواستم کتاب علاء بن رزین و ابان بن عثمان را بر من املاء کند. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۹)

۲.۱. چگونگی ثبت و ضبط اخبار و روایات ائمه علیهم السلام

کسانی که در جلسات درس و بحث و نقل روایت امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام شرکت می‌کردند، در حفظ مطالب می‌کوشیدند. عده‌ای که به فن نویسندگی آشنا بودند، احادیث را شنیده، به خاطر می‌سپردند و آنگاه، در فرصت مناسب، به ثبت آنها می‌پرداختند. عده‌ای از اصحاب نیز به همراه نوشت افزار، خدمت امام صادق علیه السلام می‌رفتند؛ چنان‌که زراره بن اعین چنین می‌کرد (کشی، ۱۳۴۸، ص ۱۴۳) و پس از استماع کلام امام، عین الفاظش را به رشته کتابت درمی‌آوردند. گروهی از اصحاب خاص و اهل بیت امام کاظم علیه السلام، در حالی که الواح آبنوس لطیف و میل‌هایی در آستین‌های خود داشتند، در مجلس آن امام حاضر می‌شدند و همین که حضرت سخنی می‌فرمود یا در موردی فتوا می‌داد، آن گروه آنچه را می‌شنیدند، در لوح ثبت می‌کردند. (ابن طاووس، ۱۴۱۱، ص ۲۱۹-۲۲۰ و مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۹۱، ص ۳۱۹)

احتمالاً دلیل و مقصود از اینکه الواح و میل‌های کتابت را در آستین قرار می‌دادند، رعایت شرایط تقیه و حفظ مکتوبات خویش بود. جو سنگین سیاسی علیه شیعه، به آنها اجازه نمی‌داد که آزادانه از کتب خویش استفاده کنند یا آنها را در اختیار دیگران قرار دهند. گزارش ذیل، درک این واقعیت را آسان می‌کند: محمد بن حسن خدمت امام ابو جعفر ثانی علیه السلام عرض کرد: «فدایت شوم، اساتید ما، از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام روایاتی دارند که به سبب تقیه شدید، عنوان کردن آن احادیث، کار بسیار مشکلی بود و ایشان مجبور به اخفای کتب مزبور خود بودند و در نتیجه، از آنها در زمان حیاتشان روایتی نقل نشد و چون

از دنیا رفتند کتاب‌هایشان به ما رسیده است». (آیا می‌توانیم آنها را نقل کنیم؟) فرمود: «آنها را نقل کنید که درست است». (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۵۳)

این گزارش، نشانگر آن است که در آن عصر، شیعیان علی‌رغم همه مشکلات موجود برای نوشتن حدیث، در راستای تدوین آن، تلاشی بی‌وقفه و پی‌گیر داشته و برای جمع‌آوری و ثبت احادیث ائمه علیهم‌السلام رنج‌های متعدد را بر خود هموار می‌کردند. یکی از این شیعیان، ابویوب سلیمان بن داود بود که برای اخذ حدیث، بیش از بیست و چند بار از بصره به کوفه سفر کرد تا اینکه در مجلس حفص بن غیاث حاضر شد و احادیث او را نوشت. وقتی به بصره برگشت در بنانه - محلی در بصره - ابن ابی‌خدیجه را ملاقات کرد. وی گفت: ای سلیمان از کجا می‌آیی؟ گفت: از کوفه. گفت: حدیث چه کسی را نوشته‌ای؟ گفت: حدیث حفص بن غیاث را. گفت: تمام احادیث او را نوشته‌ای؟ گفت: آری. گفت: حدیثی که درباره گوسفند قربانی، حفص از جعفر بن محمد علیه‌السلام از پدرش از ابوسعید خدری روایت کرده است را هم نوشته‌ای؟ گفت: نه! گفت: چشمت گریان باد! پس در کوفه چه می‌کردی؟ سلیمان مجدد به کوفه برگشت، به خانه حفص بن غیاث وارد شد و حدیث را به صورت کامل از وی دریافت کرد. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۴۴)

۲.۲. عرضه و تصحیح روایات و تالیفات نزد امامان علیهم‌السلام

از دیگر رفتارهای علمی فرهنگی شیعیان نسبت به ائمه علیهم‌السلام، عرضه کردن احادیث و تالیفات یا دستاوردهای علمی دانشمندان شیعیان و اصحاب ائمه، بر امامان علیهم‌السلام بود. زمینه این حرکت از جانب شیعیان، نفوذ جاعلان حدیث در بین راویان و ورود روایات ساختگی به کتب و احادیث منقول از ائمه اطهار علیهم‌السلام بود و هدف از عرضه بر امام، آگاهی از نظر امام درباره صحت یا بطلان احادیث منسوب به ائمه علیهم‌السلام و تایید نوشته‌های حدیثی یا تصحیح آنها بوده است. این شیوه که در روایات، آن را «عرض الحدیث» می‌نامند، چیزی غیر از مقابله و نسخه‌خوانی است که در میان استاد و شاگرد رایج بوده است. (مسعودی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۶)

در متون حدیثی، موارد زیادی از این نوع رفتار، قابل دسترسی است. افرادی که نزد امامی آمده و با بیان روایت یا جمله‌ای با تعبیر «بَلْغَنی» یا «بَلْغَنَا»، از امام درباره آن نظرخواهی می‌کردند، نمونه‌هایی از عرضه روایات بر ائمه است. خود ائمه علیهم‌السلام نیز شیعیان را به این امر ترغیب می‌کردند. امام کاظم علیه‌السلام به فردی که در طلب معرفت بود فرمود: «برو فقه بیاموز و حدیث طلب کن.» پرسید از چه کسی؟ فرمود: «از فقیهان مدینه، سپس آن حدیث را بر من عرضه کن» (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۲۳). گاهی عرضه احادیث به صورت عرضه یک یا چند حدیث و گاهی عرضه یک کتاب و مجموعه مدون توسط اصحاب ائمه علیهم‌السلام بود. حمزه بن طیار برخی خطبه‌های امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام را بر امام صادق علیه‌السلام عرضه کرد تا اینکه به عبارتی از آن رسید. امام به وی فرمود: «بایست و ساکت باش.» سپس فرمود: «در اموری که با آن مواجه می‌شوید و حکمش را نمی‌دانید وظیفه‌ای جز بازایستادن و ارجاع دادن آن به ائمه هدی علیهم‌السلام ندارید، تا ایشان شما را به اعتدال و حقیقت برسانند و گمراهی را از شما بردارند و حق را به شما بفهمانند...» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۱۶)

عبیدالله بن علی بن ابی‌شعبه کوفی و ثقه، کتابی را که تصنیف کرده بود بر امام صادق علیه‌السلام عرضه کرد تا از صحت احادیث آن اطمینان یابد. امام علیه‌السلام پس از تصحیح و تایید آن فرمودند: «أتری لهؤلاء مثل هذا! آیا برای اینان - اهل سنت - مانند این کتاب هست.» (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۲۳۰-۲۳۱) همچنین در رجال کشی به نقل از یونس بن عبدالرحمن، که از اصحاب مورد وثوق و اعتماد امام کاظم علیه‌السلام و امام رضا علیه‌السلام بود، آمده است که وی گفت: به کوفه سفر کردم و در آن شهر تعداد زیادی از اصحاب و شاگردان امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام را دیدم که از آن دو بزرگوار احادیث زیادی را نقل می‌کردند. پس هرچه از آنها شنیدم، نوشتم تا اینکه روزی به حضور امام رضا علیه‌السلام رسیدم و آن احادیث را به ایشان عرضه کردم. (کشی، ۱۳۴۸، ص ۲۲۴) یونس بن عبدالرحمن، کتابی دیگر به نام «یوم و لیله» داشته که در دست شیعیان بوده است. ابوجعفر جعفری آن را بر امام هادی علیه‌السلام عرضه کرد. وی گوید: امام هادی علیه‌السلام به آن

نگاه کرد و همه اش را صفحه به صفحه ورق زد و سپس فرمود: آنچه در این کتاب آمده دین من و دین پدران من است و همه آن حق و صحیح است. (همان، ص ۴۸۴)

سهل بن یعقوب ملقب به ابونواس نوشته ای تحت عنوان «اختیار الایام» یا «اختیارات الایام» (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۷۷) به روایت سلیمان دیلمی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در اختیار داشته است که آن را بر امام هادی علیه السلام عرضه و تصحیح کرد. (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۲۷۶)

این چند نمونه و موارد فراوان دیگر از راستی آزمایی و عرضه کتب و احادیث بر امامان، بیانگر ایمان بالای شیعیان به علم ائمه علیهم السلام و دقت ایشان در نقل احادیث امامان علیهم السلام و اهتمامشان در استفاده از منابع و احادیث معتبر و مستند است.

نتیجه‌گیری

دقت در احادیث و گزارش‌های تاریخی، این مفهوم را به دست می‌دهد که ارتباط علمی شیعیان و ائمه اهل بیت علیهم السلام امری فراتر از رابطه شاگرد و استادی بوده است و این امر، به باور شیعیان نسبت به جایگاه علمی ائمه علیهم السلام بازمی‌گردد. شیعیان ضمن اعتقاد به مرجعیت علمی ائمه علیهم السلام و برخورداری ایشان از علم الهی، آنان را در تمامی مسائل علمی، مرجع خویش قرار داده و سخنان آن حضرات را حجت می‌دانستند. لذا برای کسب دانش و همچنین حل مسائل و مشکلات علمی، به صورت حضوری و غیر حضوری، با واسطه و بلاواسطه، به امامان علیهم السلام مراجعه می‌کردند و حکم ایشان را می‌پذیرفتند. شیعیان همچنین به دیگر سخنان و مطالب منتسب به ائمه علیهم السلام اعتماد نمی‌کردند و به همین دلیل، یافته‌های علمی دیگران را بر امامان علیهم السلام عرضه می‌داشتند و پس از تأیید ایشان، از آن مطالب استفاده می‌کردند. همچنین با اهتمام نسبت به ثبت و ضبط احادیث ائمه علیهم السلام و آموخته‌های خویش، در مدت کمی، تحت تربیت ائمه علیهم السلام صدها مجموعه روایی با عنوان اصل یا کتاب فراهم کرده و آثار ارزشمندی از خویش به یادگار گذاشتند. البته برخی شیعیان و محبتین اهل بیت علیهم السلام به دلیل اینکه مسئله علم الهی ائمه علیهم السلام به خوبی برای

ایشان مفهوم نبود، دچار مشکلات و رفتارهای نادرستی می‌شدند که مورد پذیرش جامعه شیعی و یاران خاص ائمه نبود.

رابطه علمی شیعیان و ائمه علیهم‌السلام و اهتمام و دقت ایشان نسبت به علم‌آموزی و ثبت و نشر آموخته‌ها، می‌تواند الگوی مناسبی برای جامعه علمی باشد و علاوه بر هموار ساختن مسیر تولید علم، بر رشد و بالندگی فرهنگی جامعه بیفزاید.

با توجه به گستردگی موضوع مناسبات علمی شیعیان عصر حضور و مسائل مرتبط با آن، بررسی ابعاد و زوایای دیگری از این مسئله، که به دلیل محدودیت‌ها، مجال تحقیق و تبیین آنها فراهم نشد، می‌تواند پژوهش حاضر را تکمیل و کاربردی‌تر کند. لذا به علاقه‌مندان پژوهش در این حوزه، کنکاش و بررسی بیشتر درباره این موضوع، از جمله درباره دو مسئله زیر، پیشنهاد می‌شود:

- تبیین جایگاه و مراتب عالمان عصر حضور و نحوه تعامل ایشان با ائمه اطهار علیهم‌السلام
- بررسی نقش عالمان شیعه عصر حضور در حفظ و انتقال میراث علمی امامان معصوم علیهم‌السلام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

قرآن کریم

صحیفه سجادیه، ۱۳۷۶ش، قم: الهادی.

۱. آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، *الذریعة الى تصانیف الشیعه*، قم: اسماعیلیان.
۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، ۱۴۱۵ق، *الاصابه*، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳. ابن داود حلّی، حسن بن علی، ۱۳۸۳ق، *رجال*، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۴. ابن سعد، محمد، ۱۴۱۰ق، *الطبقات الکبری*، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵. _____، ۱۴۱۴ق، *الطبقة الخامسة*، تحقیق: محمد بن صامل السلمی، الطائف: مکتبه الصدیق.
۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۳۷۹ق، *المناقب*، قم: علامه.
۷. ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۴۱۱ق، *مهج الدعوات*، قم: دار الذخائر.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، تحقیق: میردامادی، چاپ سوم، بیروت: دارالفکر.
۹. اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱ق، *کشف الغمّة*، تبریز: مکتبه بنیهاشمی.
۱۰. برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۱ق، *محاسن*، قم: دار الکتب الاسلامیه.
۱۱. بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۴۱۷ق / ۱۹۹۶م، *انساب الأشراف*، تحقیق: سهیل زکّار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر.
۱۲. بستانی، فواد افرام، ۱۳۵۷ش، *فرهنگ ایجدی*، ترجمه: رضا مهیار، تهران: انتشارات اسلامی.
۱۳. ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد، ۱۳۷۳ش، *الغارات*، ترجمه: عزیزالله عطاردی، بیجا: عطارد.
۱۴. حلّی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۱ق، *رجال العلامه*، قم: دار الذخائر.
۱۵. خطیب بغدادی، احمد بن علی، ۱۴۱۷ق، *تاریخ بغداد*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۶. دارمی، عبدالله بن الرحمن دارمی، ۱۳۴۹ق، *سنن دارمی*، دمشق: اعتدال.
۱۷. شریف رضی، محمد بن حسین، بی تا، *نهج البلاغه*، قم: دار الهجره.
۱۸. شهید اول، محمد بن مکی، ۱۴۱۹ق، *ذکری الشیعه فی احکام الشریعه*، قم: موسسه آل البيت (ع).
۱۹. صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی، ۱۳۹۸ق، *توحید*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۰. _____، ۱۳۷۷ش، *خصال*، ترجمه: محمدباقر کمرهای، تهران: کتابچی.
۲۱. _____، ۱۳۹۵ق، *کمال الدین و تمام النعمه*، قم: دار الکتب الاسلامیه.
۲۲. _____، ۱۴۱۳ق، *من لایحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات

- اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. صفار قمی، محمدبن حسن، ۱۴۰۴ق، بصائر الدرجات، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۴. طبرسی، احمدبن علی، ۱۴۰۳ق، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی.
۲۵. طبرسی، حسن بن فضل، ۱۴۱۲ق، مکارم الاخلاق، قم: انتشارات شریف رضی.
۲۶. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، ۱۴۱۴ق، الامالی، قم: دار الثقافة.
۲۷. _____، ۱۳۹۰ق، الاستبصار، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۸. _____، ۱۴۰۷ق، تهذیب الأحکام، تحقیق: حسن موسوی خراسان، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۹. _____، ۱۴۱۱ق، الغیبه، قم: موسسه معارف اسلامی.
۳۰. _____، بی تا، الفهرست، نجف: کتابخانه مرتضوی.
۳۱. قزوینی، محمدبن یزید، بی تا، سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فواد، بیروت: دار الفکر.
۳۲. کشی، محمدبن عمر، ۱۳۴۸ش، رجال، مشهد: نشر دانشگاه.
۳۳. کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۵ش، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۴. کوفی، محمدبن سلیمان، ۱۴۱۲ق، مناقب امیرالمؤمنین، قم: مجمع احیاء فرهنگ اسلامی.
۳۵. متقی هندی، علی بن حسام الدین، ۱۴۰۹ق، کنز العمال، تحقیق: شیخ بکری حیانی، بیروت: مؤسسه الرساله.
۳۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۴۰۴ق، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۳۷. مسعودی، عبدالهادی، عرضه حدیث بر امامان علیا، فصلنامه علوم حدیث، شماره ۶، زمستان ۱۳۷۶ و شماره ۹، پائیز ۱۳۷۷.
۳۸. مفید، محمدبن محمدبن نعمان، ۱۴۱۳ق (الف)، الاختصاص، قم: کنگره شیخ مفید.
۳۹. _____، ۱۴۱۳ق (ب)، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید.
۴۰. _____، ۱۴۱۳ق (ج)، الامالی، قم: کنگره شیخ مفید.
۴۱. نجاشی، احمدبن علی، ۱۴۰۷ق، رجال نجاشی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱.